بیش از ۲۰ صهیونیست روزگذشته در غزه هلاک شدند، اعتراض‌ها در سرزمین‌های اشغالی علیه سیاست‌های نتانیاهو افزایش یافته است

نتانیاهو همچنان از ارتش صهیونیست‌ها تلفات می‌گیرد

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

بلا برای صهیونیست‌ها از زمین و زمان می‌بارد. مشکلات نه منحصر به فلسطین است و نه محدود به روزی زمین می‌شود. غزه، مرز با لبنان و سوریه، عراق و یمن روزانه شاهد حملاتی به صهیونیست‌ها و متحدان‌شان هستند. همزمان خبرهایی درباره خرابکاری در فعالیت شرکت‌های رژیم در آسیای میانه و قفقاز نیز به گوش می‌رسد.

صهیونیست‌ها در عراق موفق شده‌اند آمریکا را وارد میدان مبارزه با گروه‌های مقاومت کنند و در یمن نیز پس از تقلای بسیار، واشنگتن و لندن را وارد گود کرده‌اند؛ هرچند وضعیت برای صهیونیست‌ها مثبت نشده است. دیوید کامرون، وزیرخارجه انگلیس می‌گوید از زمان آخرین حمله‌ای که همراه با آمریکا به یمن داشته‌اند مجددا ۱۲ کشتی دیگر توسط ارتش یمن هدف قرار گرفته‌اند. ناکامی در این جبهه‌ها برای رژیم‌صهیونیستی اهمیت دارد اما نه به اندازه اهمیتی که تحولات غزه دارد. اصلی‌ترین جبهه برای تل‌آویو همچنان غزه است که تبدیل به چرخ گوشت ارتش رژیم شده و سربازان صهیونیست و تجهیزات‌شان را خرد می‌کند.

روز دوشنبه یکی از سهمگین‌ترین اتفاقات پس از ۷ اکتبر در این باریکه رخ داد. ده‌ها سرباز در دو ساختمان پناه گرفته بودند که انفجار آن باعث شد ۲۱ نفر به هلاکت برسند. با احتساب سه سرباز دیگری که در مناطق مختلف غزه کشته شده‌اند، مجموع تلفات روز دوشنبه به ۲۴ سرباز می‌رسد. علی‌رغم این آمار، اما رسانه‌های صهیونیستی تلفات بالاتری را اعلان کرده‌اند. کانال دوازدهم تلویزیون رژیم‌صهیونیستی گزارش داده است: «ما در برابر یک فاجعه بزرگ قرار داریم. تعداد کشته‌های ارتش در نبردهای امروز نوار غزه، از ۵۰ نفر فراتر رفته است.»

اگر کمترین آمار در نظر گرفته شود در سه روز اخیر میزان تلفات نظامیان صهیونیست در غزه به نزدیک ۵۰ نفر رسیده است. میانگین تلفات سه روز اخیر ۱۶ سرباز در روز است که تقریبا ۷ برابر میانگین کشته‌ها از زمان آغاز تهاجم زمینی به این منطقه است. این اتفاق برای کابینه رژیم ناخوشایندی دوچندانی دارد. اعضای دولت هدف خود از ورود زمینی به غزه را نه تضعیف بلکه نابودی حماس قرار داده بودند و حالا انبوه تلفات ارتش علی‌رغم خروج از تعداد زیادی از موقعیت‌های اشغالی نشان می‌دهد حماس به شکلی قدرتمند در غزه حضور دارد و می‌تواند زخم‌های عمیقی بر پیکره دستگاه نظامی وارد آورد.

نابودی ۱۰۰۰ دستگاه زرهی، کشته شدن حدود ۵۰۰ نظامی که رسانه‌ها آن را بسیار بیشتر می‌دانند، نشان می‌دهد غزه چرخ گوشتی است که ارتش رژیم‌صهیونیستی وارد آن شده و دارایی‌های انسانی و مادی خود را در معرض تخریب قرار داده است. حضور در غزه خود به بهانه‌ای برای فعال شدن جبهه‌های متعددی انجامیده که آنها نیز نقشی بزرگ در فرسایش رژیم دارند.

تحولات جنگ

گروه‌های مقاومت حاضر در غزه از نخستین روز جنگ، تعداد قابل توجهی فیلم از درگیری‌های رخ‌داده منتشر کرده‌اند. پس از آغاز جنگ زمینی، فیلم‌ها به طور کامل بر حمله به وسایل زرهی مانند تانک‌ها تمرکز داشت. طبق این مستندات، مبارزان با راکت‌های یاسین-۱۰۵ علیه کاروان‌های زرهی دشمن کمین کرده و بلافاصله پس از پرتاب راکت از محل درگیری دور می‌شدند. در مواردی نیز آنها بمب‌هایی را بر روی تانک قرار داده یا به بدنه می‌چسباندند. تلفات بالای چنین حملاتی باعث شد تا تل‌آویو تصمیم بگیرد تعدادی از یگان‌های خود را از نوار غزه خارج کرده و حضور خود را به نقاط محدودی برساند.

در نتیجه یگان‌های نظامی رژیم که در بافت مسکونی پراکنده بودند در اطراف مناطق مسکونی نقاط تجمع تشکیل دادند. مقاومت غزه برای حمله به این نقاط، ضمن بهره‌گیری از روش قبلی، روش جدیدی را پیش گرفت. مطابق با روش قبلی مبارزان از طریق تونل‌ها به اطراف نقاط تجمع صهیونیست‌ها رسیده و با راکت به وسایل زرهی و سربازان حمله می‌کنند. در روش جدید، مبارزان با توجه به شکل‌گیری کانون‌های ثابت و متراکم از تجهیزات و نفرات، آنها را آماج حملات با خمپاره و راکت‌های مینی کاتیوشا قرار می‌دهند. هرچند تعداد حملات علیه صهیونیست‌ها به دلیل عقب‌نشینی‌هایی که داشته‌اند کاهش یافته است اما این حملات پرحجم‌تر و به همین ترتیب پرتلفات‌تر شده‌اند. تراکم سربازان رژیم در نقاط تجمع برپاشده در اطراف بافت مسکونی نقش اصلی را در بروز تلفات بالا داشته است. صهیونیست‌ها برای آنکه بتوانند تلفات را برای ادامه جنگ در طولانی مدت کنترل کنند، دست به تغییر آرایش خود در نوار غزه زده بودند. آنها امید داشتند با خروج از بافت مسکونی سربازان خود را از دست مبارزان فلسطینی حفظ کنند اما امروزه این تلاش خود به عامل بروز تلفات تبدیل شده است. تل‌آویو با بروز شرایط جدید یا باید قید کنترل تلفات را زده و خود را با آن منطبق کند و یا عقب نشینی‌اش را تکمیل کند.

خستگی نیروهای مسلح

نیروهای مسلح و امنیتی رژیم بخش سالم‌مانده‌ای ندارد. بخش‌هایی تخریب‌شده و قسمت‌هایی با شدت بیشتری تخریب شده‌اند. در ارتش بدترین وضعیت را نیروی زمینی دارد اما نیروی هوایی و دریایی نیز وضعیت خوبی ندارند.

نیروی هوایی مجبور شده هزاران بار نوار غزه را بمباران کند که به بحران کمبود بمب و به ویژه بمب‌های هوشمند در این نیرو انجامیده است. از سوی دیگر، نیروی هوایی وظیفه رهگیری موشک‌های کروز و پهپادهای انتحاری پرتاب‌شده به سمت فلسطین اشغالی را برعهده دارد. وظیفه بعدی آمادگی بسیار بالا برای زمانی است که اوضاع به حد انفجار رسیده و نیاز به درگیری در سطح منطقه احساس شود. این آمادگی در طولانی مدت می‌تواند به فرسایش ذهنی کارکنان نیروی هوایی منتهی شود. نیروی دریایی شاخه بعدی ارتش است که جنگ امان آن را بریده است. شناورهای این نیرو علاوه بر مشارکتی که در حملات به غزه دارند، در دریای سرخ مستقر شده تا به رهگیری پرتابه‌هایی که مقصدشان فلسطین اشغالی است بپردازند. وظیفه بعدی آنها آمادگی برای درگیر شدن در دریای مدیترانه است، زیرا در صورت تشدید تنش‌ها خطوط دریایی رژیم در این دریا نیز هدف قرار می‌گیرند.

نیروهای پلیس نیز دست‌کمی از ارتش ندارند. تعدادی از نیروهای این بخش برای امور نظامی به یگان‌های ارتش پیوسته‌اند و مابقی نیز در آماده‌باش برای جلوگیری از شورش فلسطینی‌ها در سرزمین ۱۹۴۸ و کرانه باختری قرار دارند.

معلولان و روانی‌ها

روز دوشنبه رئیس بخش توانبخشی وزارت جنگ رژیم اسرائیل طی گزارشی به کنست اعلام کرد ۴۵۴۴ نفر از نیروهای نظامی در حال حاضر تحت درمان قرار دارند. او تاکید کرد اغلب آنها جزء نیروهای ذخیره بوده و سنی کمتر از ۳۰ سال دارند.

گفته می‌شود رژیم به دلیل نگرانی از تضعیف روحیه عمومی، سختگیری زیادی در اعلام آمار تلفات دارد. به همین دلیل نهادهای مربوطه تا مدت‌ها به جز به‌روزرسانی آمار کشته‌ها، دیگر تلفات جنگ را نادیده می‌گرفتند. حالا با تایید تحت درمان قرار داشتن ۴۵۴۴ نفر از نیروهای نظامی، مشخص می‌شود آمار زخمی‌ها بسیار بالاتر است. پیش از این بررسی رسانه‌های داخلی رژیم نشان می‌داد احتمالا ۱۲ هزار نفر به دنبال جنگ زخمی شده‌اند. با توجه به مرخص شدن تعداد قابل توجهی از زخمی‌ها، حتی افرادی که معلول شده‌اند، این عدد دور از واقعیت نیست. به گزارش سایت صهیونیستی واللا تنها تعداد کسانی که معلول شده‌اند به ۴ هزار نفر می‌رسد.

به خط زدن خانواده اسرا

ده‌ها اسیر صهیونیست در جریان تبادل اسرا آزاد شده و یا در درگیری‌ها کشته شده‌اند اما همچنان نزدیک به ۱۰۰ نفر از آنها در دستان مقاومت قرار دارند. خانواده این افراد زندگی خود را رها کرده و تجمعاتی دائمی را در برابر محل استقرار نهادهای دولتی برپا کرده و حتی در یک نوبت موفق شده‌اند به داخل پارلمان حمله کنند.

نتانیاهو اما می‌گوید حاضر نیست شرایط حماس را که می‌تواند منجر به آزادی اسرا شود بپذیرد. او می‌گوید حماس پیش‌شرط‌های غیر قابل اجرایی را قرار داده است. به گفته نخست‌وزیر رژیم، حماس در مقابل آزادی ربوده‌شدگان ما، خواستار پایان کامل جنگ، خروج نیروهای رژیم از غزه و آزادی تمامی اسرای فلسطینی از جمله نیروهای نخبه حماس و بقای خود در قدرت است.

نتانیاهو قبول چنین شرطی را معادل هدر رفتن خون تمامی نظامیان کشته‌شده می‌داند و معتقد است در صورت موافقت با شروط حماس شهرک‌نشینیان دیگر به محل سکونت خود باز نمی‌گردند. با این مواضع نتانیاهو بار دیگر به نبرد با اپوزیسیون از جمله آنهایی که به دولت اضطراری پیوسته‌اند، می‌رود. او همچنین بر عزم خود برای چالش با خانواده اسرا تاکید کرده است. این پدیده می‌تواند موجی در جهت فرسایش جبهه داخلی و سیاست در رژیم رقم بزند.

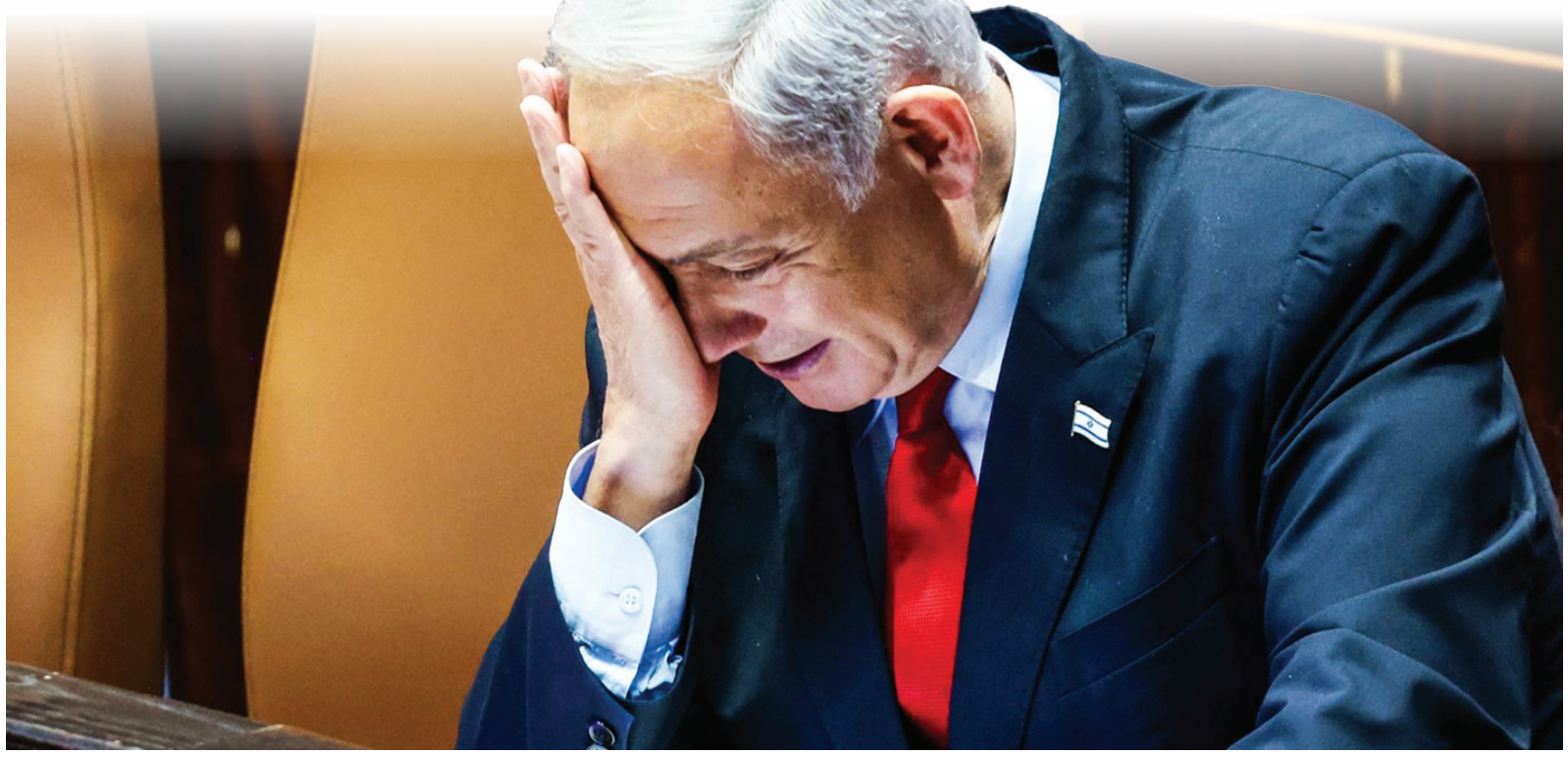

معبد به جای مسجد؛ نازیسم مودی در هند به کجا می‌رود؟

معبدی روی آوارهای دموکراسی هند

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر مسائل بین الملل

افتتاح معبد «رام» [یکی از اساطیر مقدس آیین هندو] توسط دولت مودی و حزب حاکم بی‌جی‌پی در روز دوشنبه هفته جاری، جنجال‌ها واظهارنظرهای بسیار متفاوتی را در داخل و خارج از این کشور به همراه داشته است. قرار گرفتن این معبد در مکانی که قبلا مسجد باستانی «بابری» در آن قرار داشته و در سال ۱۹۹۲ توسط هندوهای افراطی تخریب شد، مهم‌ترین و البته تنها یکی از این مسائل جنجالی محسوب می‌شود. هزینه‌های بسیار گزاف اختصاص‌یافته برای ساخت این معبد (بنابر آمارهای رسمی رقمی در حدود ۲۲۰ میلیون دلار)، جشن‌های سراسری و بسیار پرزرق‌وبرقی که برای افتتاح این معبد در نظر گرفته شد و درنهایت اقدام مودی در افتتاح شتاب‌زده ساختمان نیمه‌کاره این معبد نیز از دیگر حاشیه‌های مهم بازگشایی این معبد به شمار می‌آید. در سایه چنین حاشیه‌ها و جنجال‌هایی بود که اغلب احزاب مخالف دولت این مراسم را یک «ضیافت سیاسی» و کارزار تبلیغاتی مودی برای انتخابات امسال دانسته و از مشارکت در آن سرباز زدند.

اما افتتاح این معبد، آن هم با سبک و سیاقی خاص، نگرانی‌های عمیقی را در میان اندیشمندان سیاسی و اجتماعی هند پدید آورده و آنها را به‌شدت نسبت به آینده سیاسی و اجتماعی و حتی یکپارچگی این کشور ۷۲ ملت بیمناک ساخته است. در همین راستا در طی روزهای اخیر مقالات متعددی در این زمینه منتشر شده که مقاله سوهاس پالیشکار، مدرس علوم سیاسی و تحلیلگر روزنامه معتبر ایندین‌اکسپرس یکی از همان موارد است. سوهاس پالیشکار در این مقاله بر یک واژه کلیدی، یعنی «پاکسازی» تاکید دارد و ادامه این متن به‌خوبی فهم و نظر او در به‌کارگیری این واژه را روشن می‌کند.

آغاز عصر پاکسازی در هند

سوهاس پالیشکار تحلیل خود را با این جملات کلیدی آغاز می‌کند که دادگاه را از این جریان [ساخت معبد به جای مسجد بابری] کنار بگذارید... برای لحظه‌ای هم که شده از محاسبات سیاسی دست بردارید. مساله واقعی حساسیت‌ها و هویت‌های جمعی جدیدی است که این ماجرای پرزرق و برق روی آن ایستاده است. معبد آیودیا برای کسی که با تجلی «رام جدید» متقاعد شده است، چه معنایی دارد؟

به نظر می‌رسد باید شاهد یک انتقال باشیم؛ این مساله‌ای است که ماهیت و پیامدهای آن عمیقا بحث‌برانگیز است، اگر چه گویا در حال حاضر هیچ کس در حال و هوای تشخیص اهمیت آن قرار ندارد. این گونه گفته می‌شود که با افتتاح معبد جدید در آیودیا اشتباهات تاریخی اصلاح شده است. اما مساله مهم‌تر اینکه با معبد جدید، یک «رام جدید» نیز در حال پیدایش است.

در شهر عمده گفت‌وگوها بر سر وفاداری و ایمان عمیق انجام نمی‌گیرد، بلکه بحث‌ها بر سر ماهیت باشکوه این لحظه است. هرچند که این رویداد درباره ساختن یک معبد جدید است اما حساسیت‌های انباشته‌شده در آن، نه در حوزه دین و نه در حوزه انرژی عاطفی سازنده آن جای نمی‌گیرد. در واقع این لحظه نمایانگر ورود ما به عصری از پاکسازی است که حداقل سه مورد از این پاکسازی‌ها سزاوار فهرست شدن هستند.

پاکسازی تکثرگرایی در هند

از نظر تحلیلگر ایندین‌اکسپرس پاکسازی «تکثرگرایی» نخستین زمینه پاکسازی است که با گرایش‌های اجتماعی رایج فعلی نیز در هماهنگی قرار دارد. وی در این رابطه ماهیت و ویژگی‌های ذکرشده برای «رام»، موجود تقدیس‌شده در آیین هندوها را در مرکز توجه قرار می‌دهد؛ رام به‌عنوان یک نماد، به‌عنوان یک اسطوره و برای خیلی‌ها به‌عنوان یک خدا؛ اغلب تصاویر، معانی و مسیرهای متعددی را خلق می‌کرد. جای تعجب ندارد که ممکن است رساله‌ای درمورد ۳۰۰ «رامایانا» وجود داشته باشد که شاید ما آنها را به دست فراموشی سپرده باشیم. در زمان‌های قدیم، جان‌نثاران و شعرا در ترسیم رامای خود احساس آزادی می‌کردند. از یک پرابهو راما چاندرای ترسناک گرفته تا یک سیا رامای پر از مهر و محبت؛ بسیاری رام‌ها از تصاویر فرهنگی و عقاید مذهبی که از این الوهیت پدید آمده بود، عبور کردند.

اما امروز یک «رام» کاملا جدید ارائه می‌شود که شاید هیچ ارتباطی با این تاریخ طولانی اساطیری مرتبط با خود را نداشته باشد. معبد بزرگ و ساکنان جدیدش متن‌زدایی شده و از تکثر وسیع عقایدی که هم منتقدان و هم طرفدارانش به او نسبت می‌دهند، جدا شده است. در واقع در حال حاضر این روح تکثر مورد انکار قرار نمی‌گیرد ودر حقیقت برخی اوقات به‌صورت ظاهری، اما به شکلی پر سر و صدا در بوق و کرنا می‌شود. با این در حال خارج ساختن روح [تکثرگرایی راما]هستند. هنگامی‌که این روح پاک شود، ایجاد یک روان جمعی که به‌طور خودکار شروع به حمایت از همگونی کرده و باعث ایجاد سوءظن در همزیستی تفاوت‌ها و امکان همگرایی می‌شود، آسان‌تر از قبل خواهد بود. امروز تصور پذیرش نقدی مانند «معماهای هندوئیسم» اثر آمبدکار غیرقابل تصور به نظر می‌رسد. همچنین ما از «رام» گاندی هم خیلی فاصله گرفته‌ایم. همزیستی ایده‌های مختلف مذهب و خدا که «رامدون» گاندی با افتخار آن را تبلیغ می‌کرد، اکنون با ما بیگانه شده است.

پاکسازی همزیستی درکنار یکدیگر

پیشینه همزیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان و مذاهب مختلف در هند و روندی که در جهت پاکسازی این شرایط آغاز شده است دومین موردی است که مورد توجه سوهاس پالیشکار قرار می‌گیرد؛ حکم دادگاه عالی‌الله‌آباد که دادگاه عالی هند آن را کنار گذاشت، با وجود محدودیت‌های قانونی که بر سر راهش وجود داشت، از شهامت تضمین همزیستی ادیان، آن هم به‌رغم تاریخچه تلخ میان آنها برخوردار بود. دادگاه عالی هند درحالی‌که به لحاظ قانونی حکمی نه چندان قانع‌کننده صادر کرد؛ این اطمینان را خلق کرد که به جای یادآوری تعهد قانون اساسی در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز، ترجیح می‌دهد که با جریان جدایی شنا کند. «رام جدید» به جای چالش همزیستی با امکانی از ارتباط نه‌فقط میان عقاید، بلکه میان جوامع و مذاهب؛ دوره جدیدی از گتوسازی رسمی و قانونی را نشان می‌دهد.

بنابراین پاکسازی دوم، پاکسازی عنصر «همزیستی» است که اکنون به‌عنوان یک واقعیت، یک رویا، یک هدف قانون اساسی و یک چالش دموکراتیک وجود دارد. این پاکسازی مدتی در فضا پخش بوده است. داستان‌هایی از غیر هندوهایی که از جشن‌های «گاربا» بیرون انداخته شده بودند، کم‌کم در حال انتشار بودند. ما شاهد کمپین‌های وحشتناک علیه هم آمیختگی جوانان در جوامع مذهبی مختلف بوده‌ایم که با گزارش‌های گاه‌وبیگاه از بایکوت‌های اقتصادی یا در خواست‌های مشابه علیه جوامع اقلیت توام شده است. متاسفانه رام جدید روی این میراث ساخته شده است. سلام «جای رام جی کی» مدت‌هاست که با «جای شری رام» ستیزه‌جوتر جایگزین شده است. با جشن‌های پرزرق و برق معبد جدید این ستیزه‌جویی اکنون بستر اصلی هویت مرتبط با «رام» را شکل می‌دهد. از دهه ۱۹۹۰ تاکنون فضاهای همزیستی در فضای عمومی و همچنین وجدان خصوصی ما سهم کوچک‌تری یافته است. این معبد منحصربه‌فرد بودن هویت هندو و برتری آن بر هر چیز دیگری را جشن می‌گیرد.

پاکسازی یک گناه تاریخی

تحلیلگر ایندین‌اکسپرس بر این باور است که دو فرآیند پیشین پاکسازی ما را به سوی سومین و به گفته او غم‌انگیزترین پاکسازی سوق می‌دهد؛ فراموشی جمعی رخداد ۶ دسامبر ۱۹۹۲؛ آن روز هیچ کس ساختمان‌ها را تخریب نکرد! معبد جدید از این نظر تاریخی است. این معبد نه‌تنها جامعه یا هر گروه و حزبی را از خرابکاری جنایتکارانه تبرئه می‌کند، بلکه به‌سادگی این حقیقت را از تاریخ محو می‌کند. نظرسنجی‌های بعد از سال ۱۹۹۲ و حتی تا سال ۱۹۹۶ حکایت از آن داشت که در میان هندوها احساسی از گناه وجود دارد و در کنار آن پذیرش این موضوع که کاری اشتباه [تخریب مسجد بابری] انجام شده است؛ هرچند که آنها همچنان طرفدار ساخت معبد رام در محل مورد مناقشه بودند. در سایه گذشت زمان سیاست ما این اطمینان را پدید آورد که گناه کوچک و درنهایت بخشیده شده است. در این میان اگر به دنبال موثرترین ابزاری باشیم که معبد جدید رام را عاری از گناه کرده است، به‌طور قطع آن ابزار حکم دادگاه عالی هند بوده است. آنچه صرفا با سیاست مدیریت می‌شد با مجوز دادگاه برای ساخت معبد رسما مهر تایید دریافت کرد. برای حامی امروزی معبد هیچ اشکال قانونی در ساخت آن وجود ندارد. در عین حال دادگاه عالی نه‌تنها مجوز ساخت را داد، بلکه مکانیسمی نیز برای آن پیش‌بینی کرده است؛ یک «تراست» جداگانه.

اما اجازه دهید برای لحظه‌ای هم که شده دادگاه را از این قضیه خارج کنیم. معبد جدید برای کسی که با تجلی معبد و آمدن رام جدید متقاعد شده است، چه معنایی دارد؟ در واقع این پاکسازی یک گناه است. جامعه‌ای که شاهد تخریب یک سازه مورد مناقشه و خشونت‌های پایدار بوده است، اکنون شادمان است که معبد جدید از بسیاری از عبادتگاه‌های دیگر فراتر رفته و قابلیت آن را دارد که به یک جاذبه نو برای گردشگری بین‌المللی تبدیل شود. منابع عظیمی توسط یک جامعه برای انتقام از گذشته تولید شد و سرمایه‌گذاری سیاسی غیرقابل تصوری انجام گرفت که می‌توانست موضوعی برای فعالیت‌های معنوی و آموخته‌های مذهبی باشد. همه اینها بدون احساس گناه بود. برخی دموکراسی‌ها براساس صلح و سازش ساخته شده‌اند و برخی دیگر روی آوارهای وجدان خود سلانه‌سلانه به جلو می‌روند اما سازوکار ما چیزی فراتر از این خواهد بود؛ یک سیستم دموکراسی رسمی که با پاکسازی‌های مجلل تزئین شده است.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم